

تحلیل روانشناختی تجلی یأس و ناامیدی در غزلیات کلیم کاشانی

ساسان نجفی^۱

سعید احمدی علیایی^۲

چکیده

یأس و ناامیدی از رایج‌ترین مضامین آثار ادبی و هنری ادبیات جهان است. شعر فارسی خاصه سرودهای کلیم کاشانی از این قاعده مستثنا نیست. این پژوهش بر آن است تا از دیدگاه روانشناختی، براساس «نظریه ناامیدی/افسردگی» آبرامسون و همکاران، و براساس روش تحلیلی، به تحلیل عوامل و مؤلفه‌های ناامیدی در غزلیات کلیم کاشانی بپردازد. نتایج به دست آمده نشان از آن دارد: عوامل نومیدی، در اشعار کلیم عبارتند از: ۱- تجربیات تلخ و پرتشویش ۲- کمبود عاطفی در زندگی کلیم که موجب بروز حس نومیدی در اشعار وی گشته است. با تأمل در غزلیات کلیم کاشانی این مولفه‌ها دیده شد: ۱- منفی‌نگری نسبت به خود، جهان و آینده. ۲- احساس شکست. ۳- نارضایتی از وضع موجود. ۴- انزوا ۵- مرگ دوستی ۶- غم مفرط. براساس تحلیل‌های انجام گرفته می‌توان ادعا کرد که حس نومیدی در غزلیات کلیم کاشانی با دیدگاهی انسان‌گرا که اغلب بدون پشتوانه‌ی الهی است، همراه شده است و بیت‌هایی که مضامین توکل یا امید به رحمت الهی را داشته باشد، به ندرت دیده می‌شود.

واژگان کلیدی: کلیم کاشانی، روانشناسی، یأس، ناامیدی.

۱. کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ارومیه. (نویسنده مسئول)

sasan_najafi12@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد رشته پژوهش هنر، مدرس مدعو دانشگاه ارومیه

Saeedahmadi1390@gmail.com

تاریخ پذیرش

۹۶/۱۲/۱۰

تاریخ دریافت

۹۶/۸/۱۳

۱. مقدمه

با وجود تمامی امکانات و ابزارهای جدید که علاوه بر رفاه روزمره، امکان پیشرفت را مهیا می‌کند، انسان عصر حاضر به ناامیدی و یأس بزرگی گرفتار آمده است. گسترش مرگان‌اندیشی و «تئوری‌های پایان» در فلسفه پست‌مدرن از نشانه‌های مهم این یأس جهان‌شمول است. همین‌طور آثار هنری و ادبی فراوانی می‌توان یافت که درونمایه‌های اصلی آن‌ها پوچی و یأس عمیق عاطفی و فلسفی است.

فرهنگ و هنر سرزمین ایران هم از این قضیه مستثنا نیست و نمونه‌های فراوانی را می‌توان به عنوان مثال ذکر کرد؛ مثل بعضی آثار اخوان ثالث، نیما، شاملو، فرخزاد، هدایت، ساعدی و نمونه‌های بسیار دیگر. در اشعار کلاسیک هم، که مهمترین منشأ سنت ایدئولوژیک ادب فارسی به شمار می‌روند، مضامین امیدواری و نوامیدی به وفور یافت می‌شوند. اما به دلیل گرایش‌های عرفانی یا عاشقانه، در نهایت امیدواری به ناامیدی غالب می‌شود. این موضوع را قبادی و کلاهچیان (۱۳۸۶) در مورد مثنوی معنوی تأیید می‌کنند؛ «اساساً، تفکر عرفانی در حوزه‌ی اسلام با اعتماد به هستی، خوش فرجام دانستن سیر زندگی، خوش بینی و امید به آینده و باور به قاعده «لطف» خداوند تکون می‌یابد... از نظرگاه مولوی امیدوار بودن شیرین تر از آرزودار بودن و برای انسان امری اساسی و مبنایی است... آنچه برای انسان اصالت دارد و در او ماندگار است، امید است» (همان، ۱۳۸۶: ۱۷۲) این نتیجه را می‌توان به سهولت به تمامی شاعران عارف مسلک تعمیم داد. توکل به درگاه الهی از شروط اولیه‌ی سیر و سلوک به شمار می‌رود. (شبستری، ۱۳۷۵: ۲۴) در مورد شاعران چون سعدی و حافظ، باور به رحمت معشوق زمینی یا آسمانی، به قدری است که همه ناامیدی‌ها و ناخرسندی‌ها را به امید و مستی می‌رساند.

کمر کوه کم است از کمر مور این جا ناامید از در رحمت مشو ای باده پرست
(حافظ، ۱۳۸۵: ۵۴)

همچنان امید می‌دارم که بعد از داغ هجر مرهمی بر دل نهد امیدوار خویش را
(سعدی، ۱۳۸۵: ۵۲۹)

بعد از سبک عراقی، شاعران مکتب وقوع به تکرار مضامین و فرم‌های شعری گذشته پرداختند. ولی صد سال بعد، در میان مرزهای پر رونق ایران و هند، سبک جدیدی متولد

شد. سبک هندی «مکتبی ادبی است که طی پروسه تاریخی با تلفیق ادبیات فارسی و زیبایی‌شناسی هنر هندی شکل گرفته، و در عصر صفویه بنا به ضرورت تاریخی بروز کرد» (لنگرودی، ۱۳۷۲: ۴۷) در سبک هندی برای اولین بار، سلطه یأس و ناامیدی احساس شد. که این موضوع بیش از همه در آثار کلیم کاشانی و تا حدودی در غزلیات صائب تبریزی هویداست.

سبک هندی محصول مهاجرت شاعران و ادیبان آزاداندیش ایرانی به هند است. این مهاجران با سه پادشاه هندی هم دوره بودند؛ جهانگیر شاه، شاه جهان و شاه شجاع. شاعری که کاشانی یا همدانی بودنش در حاله‌ای از ابهام قرار دارد، به احتمال زیاد در سال ۹۸۰ ه.ق، زاده شده است، (بیضایی، ۱۳۶۹: ۱) با اینکه گهگاه برای آموختن علم به شیراز سفر می‌کرد، سال‌های اول عمر بلندش در کاشان گذشت. (صفا، ۱۳۶۷: ۱۰۷۱) دو بار به هند سفر کرد. در وهله اول به مدت پانزده سال که مربوط به دوره جهانگیر شاه بود. در این دوره ملازمت شاهنوازخان را اختیار کرد. لکن در سال ۱۰۲۸ قمری غم غربت و دوری بر وجودش مستولی گشت و با اینکه هندوستان در آن روزگاران از سرزمین‌هایی نبوده که به آسانی از آن دل کند، و به ایران برگشت. در وهله‌ی دوم تا پایان عمر، که دوره شاه جهان را شامل می‌شد. این بار تحت سرپرستی میرجمله شهرستانی قرار گرفت. (شبلی نعمانی، ۱۳۶۳: ۱۷۲). مهاجرت اول وی سراسر تلخ بود به طوری که با اندوهی بسیار به ایران بازگشت. اما مهاجرت دوم او تلخی و خوشی را با یکدیگر داشت.

او با شاه جهان به کشمیر رفت، خرمی آنجا و نشاط و سرسبزی طبیعت را دید، به حدی شیفته آن شد که از پادشاه خواست تا به او اجازه دهد تا در آنجا ساکن شود و با فراغت فتوحات شاهی را به نظم کشد. (شبلی نعمانی، ۱۳۶۳: ۱۷۴) درخواست او مورد قبول شاه جهان واقع شد. کلیم آن سرزمین را برای واپسین سال‌های عمر برگزید ولی وابستگی او به درگاه شاه جهان با این گوشه‌گیری از میان نرفت، بلکه او در آن سرزمین مقررری سالانه از دربار داشت و همچنان شاعر برگزیده شاه جهان و ستایش‌گر او بود و در آن جا به نظم «پادشاه نامه» یا «فتوحات شاه جهانی» مشغول بود تا اینکه لقب «ملک الشعرا» گرفت. (صفا، ۱۳۶۷: ۱۱۷۳) وی در اواخر عمر در کشمیر منزوی شد و بیشتر اوقات به تنهایی زندگی کرد. تا اینکه در سال ۱۰۶۱ در گذشت. (سرخوش، ۱۳۸۹: ۱۶۱)

تحلیل روانشناختی تجلی یأس و ناامیدی در غزلیات کلیم کاشانی (۴۶-۲۴) ۲۷

عصر شاه جهان را باید دوره تحول فرهنگی و دوره رویدادهای مهم تاریخی هند دانست. زیرا از یک سو او، خود شاعر و ادیب و دانشمند بود و از سوی دیگر ادیبان و شاعران و علما و دانایان را مورد لطف قرار می‌داد. کتابخانه عظیم جهانگیرشاهی که در عصر اکبرشاه تاسیس شده بود و در زمان جهانگیرشاه از بزرگترین کتابخانه‌های عالم محسوب می‌گشت، در دوره شاه جهان به منتها درجه ترقی رسید. (حمیدی، ۱۳۷۰: ۲۲) یکی از انگیزه‌های شاهان و بزرگان هند، برای تشویق شاعران ایرانی، دلبستگی آنان به زبان فارسی بود. به طور مثال اکبر شاه دستور ترجمه آثار سانسکریت را به زبان فارسی صادر می‌کرد و شاه جهان با آنکه ترکی و هندی را کامل می‌شناخت، به زبان فارسی صحبت می‌کرد. (حمیدیان، ۱۳۴۷: ۹۷۲) جالب‌تر اینکه از همان مسیری که آزاداندیش‌های ایران به هند مهاجرت می‌کردند، خشک‌اندیش‌های هند به ایران سرازیر می‌شدند. حتی اکبرشاه در نامه‌ای به شاه عباس، وی را از کشتن اقوام غیرشیعی برحذر داشت. (فلسفی، ۱۳۳۴، ج ۲: ۴۹) که این موضوع نشان از فضای بسته فرهنگی و سیاسی آن روز ایران دارد.

اما با وجود تمامی مزیت‌های فرهنگی هند و معایب جامعه سیاسی ایران، باز هم عواملی مانند غم غربت، گسترش شهرنشینی، تنگنای مالی و... شاعران مهاجر ایرانی را آزرده خاطر می‌کرد. این آزرده‌گی از طریق القای حس یأس و نومیدی در شعر سبک هندی متجلی می‌شود. طوری که «این حس به یکی از ویژگی‌های اصلی سبک هندی تبدیل شد.» (لنگرودی، ۱۳۷۲: ۹۱-۹۴)

یأس و ناامیدی در اشعار کلیم با تلخ‌ترین زبان‌ها بیان می‌شود. گاهی با نیش و کنایه همراه است: تا امیدت نشود یأس، به راحت نرسی / این نهالی است که تا خشک نشد بار نداد. (کاشانی، ۱۳۶۹: ۱۷۱) و حتی توکل و توسل را در عمل راه گشا نمی‌داند: در کوی توکل که به حق پشت امید است / گاهی که دهد تکیه به دیوار ندیدم. (کاشانی، ۱۳۶۹: ۲۶۹)

در این میان دو پرسش مهم مطرح است: اول اینکه چه عواملی سبب شده تا ناامیدی در غزلیات کلیم کاشانی احساس شود؟ دوم اینکه شاخص‌های نومیدی چگونه در غزلیات وی متجلی شده است؟ این پژوهش بر آن است از نگاه نظریه مهمی که در حوزه روانشناسی،

درباره‌ی ناامیدی، ارائه شده است، به تحلیل عوامل و مؤلفه‌های نومیدی در غزلیات کلیم کاشانی^۱ بپردازیم.

۲. پیشینه پژوهش

در باب ناامیدی نویسندگان و شاعران معاصر، تحقیقات فراوانی در داخل و خارج کشور انجام گرفته است. به طور مثال رسول زاده (۱۳۸۸) به بررسی نمادهای امید و ناامیدی در شعر معاصر فارسی (از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷) بر اساس آثار فریدون توللی، مهدی اخوان ثالث، هوشنگ ابتهاج، محمد رضا شفیعی کدکنی پرداخته است. با توجه به نتایج این تحقیق شرایط نامناسب و خفقان آور جامعه یکی از عوامل اصلی در شکل‌گیری مضامین نومیدانه و یأس آلود در آثار نویسندگان و شاعران معاصر می‌باشد. رضی و بهرامی (۱۳۸۵) زمینه‌ها و عوامل نومیدی را در داستان‌های صادق هدایت بررسی کرده است. البته ایشان شاخص‌های نومیدی را براساس دیدگاه روانشناختی انتخاب نکرده و به موارد رایجی مثل بدبینی، خودکشی و ... قناعت کرده‌اند و نتیجه تحقیق اینکه یأس‌گرایی هدایت علاوه بر اینکه در خصوصیات روحی و ویژگیهای شخصیتی او ریشه داشت، معلول اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی دوران و وضع خانوادگی او و همچنین محصول جریانهای فکری - ادبی رایج در نیمه اول قرن بیستم بود.

همینطور هولم هادولا، راسل، هافمن (Holm-Hadulla, Roussel, Hofmann) (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان «افسردگی و خلاقیت؛ مطالعه موردی: شاعر، دانشمند و سیاستمدار آلمانی، یوهان ولفگانگ فون گوته» با استفاده از نظریات روانشناختی به نتایج مفیدی در مورد رابطه بین افسردگی و خلاقیت دست یافتند؛ اثر خلاقه از یک سو محصول حال و هوای یأس آلود است و از سوی دیگر برای مقابله با افسردگی‌های شدید و خواست خودکشی ارائه می‌شود. آنها همچنین عنوان کردند که عواملی مانند بیماری جسمی، مشکلات اجتماعی در افسردگی گوته تاثیر گذار بودند.

اما در مورد کلیم کاشانی جمعاً شش مقاله و سه پایان‌نامه در آرشیو پژوهشی جامعه علمی ایران دیده می‌شود. که از این میان دو مقاله با تحقیق حاضر هم‌راستا هستند. اسعدی و عمران (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان جان مایه‌های درد در شعر کلیم کاشانی، دردهای شخصی و اجتماعی کلیم را در چند عنوان فرعی مورد بررسی قرار دادند. این مقاله

_____ تحلیل روانشناختی تجلی یأس و ناامیدی در غزلیات کلیم کاشانی (۴۶-۲۴) ۲۹

که بدون نتیجه‌گیری مشخصی پایان یافته است، مهم‌ترین دردهای کلیم را بیماری، پیری و جهل مردم می‌داند. برزویی، شاه حسینی و مصفا (۱۳۹۰) بازتاب اوضاع اجتماعی عصر صفوی را در شعر کلیم مورد کاوش قرار دادند. در نتیجه این مقاله آمده است: «معلوم گشت که این سنخور، شش پدیده اجتماعی را زائیده حکومت مذکور می‌داند؛ ۱- ناامنی و تشنج ۲- رواج ریاکاری ۳- خواری ارجمندان و منزلت یافتن حقیران ۴- بی ارزش شدن سخن و شعر ۵- جلای وطن و غربت‌گزینی ۶- هند دوستی» (برزویی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۳)

تحقیق حاضر با الهام از نتایج تحقیقات پیشین قصد دارد، از دیدگاه علمی و روانشناختی به بررسی عوامل و مؤلفه‌های نومیدی در غزلیات کلیم کاشانی بپردازد. بنابراین چارچوب نظری بحث در ادامه مقاله تشریح می‌شود.

۳. چارچوب نظری

روانشناسی علمی است درباره ریشه‌ها و علل رفتارهای انسانی. روان‌شناسان علاقه شدیدی نسبت به مشکلات عملی که برای انسان‌ها پیش می‌آید، دارند. (شاملو، ۱۳۶۸: ۱)

از جمله رفتارهایی که روانشناسی سعی در شناخت عوامل و مؤلفه‌های آنها دارد، امیدواری و ناامیدی است. روانشناسان از دیدگاه‌های گوناگون به عوامل و مؤلفه‌های این وضعیت حسی، توجه کرده‌اند. آرن بک و همکاران (۱۹۷۴) امیدواری و ناامیدی را در نسبت با تصویری که از آینده داریم، تعریف می‌کنند. در نظر ایشان شخص ناامید، نسبت به خود، جهان پیرامون و آینده خود، تصور منفی دارد. (بک، ویسمن، لستر، ترکسلر، Beck, A.T., & Weismann, A., Lester, D., & Trexler, L., ۱۹۷۴). بک، استیر (Beck, A.T., & Steer, R.A., ۱۹۸۸)

جامع‌ترین نظریه این حوزه را آبرامسون، آلوی و متالسکی (Abramson, Metalsky) (Alloy) مطرح کرده‌اند. در *تئوری ناامیدی افسردگی*، (Hopelessness theory of depression) ناامیدی انتظار این است که شرایط و پیشامدهای مثبت اتفاق نخواهد افتاد یا اتفاق‌های بد رخ خواهد داد. علامت اصلی کاهش انتظار وقوع پیشامدهای خوب خواهد بود نه پیش‌بینی اتفاق‌های بد. طبق این نظریه ناامیدی مهمترین مؤلفه افسردگی است. پلی است میان افسردگی و خودکشی. آنها همچنین ایجاد ناامیدی را مستلزم سه پیش شرط می‌دانند: ۱- پیش فرض منفی یا اشتباه از جهان پیرامون. ۲- تجربیات نامطلوب و پراز

تشویش. ۳- کمبود عاطفی. (آبرامسون و همکاران، ۱۹۸۹) باورهای منفی گرایانه موجب می‌شود که افراد افسرده فکر کنند بر حوادث مهم زندگی‌شان تسلط ندارند که همین موجب می‌شود دچار احساس یأس شوند.

از سویی در تحقیقات بعدی خود، چند مؤلفه رفتاری برای تشخیص ناامیدی معین کردند که عبارتند از: ۱- منفی‌نگری نسبت به خود، جهان و آینده. ۲- احساس شکست. ۳- نارضایتی از وضع موجود. ۴- انزوا ۵- مرگ دوستی ۶- غم مفرط. (جوینر، آبرامسون، آلوی، متالسکی، استیر، اشمیت، Joiner, Steer, Abramson, Alloy, Metalsky, Schmidt, ۲۰۰۱) طبیعی است هر یک از این شاخص‌ها، در علم روانشناسی تعاریف نظری معینی دارند که در بخش یافته‌های تحقیق به طور مفصل بحث خواهد شد.

۴. یافته‌ها

ذکر این نکته ضروری است که مفاهیم یا احساس‌های متجلی شده در آثار اغلب شاعران، لزوماً احساس خود شاعر نیست. در تحلیل‌های ذیل تنها به دلایل و نحوه تجلی حس یأس و ناامیدی در غزلیات کلیم کاشانی می‌پردازیم، فارغ از اینکه خود شاعر صاحب چنین احساسی بوده است یا نه.

۴.۱. عوامل یأس و ناامیدی در غزلیات کلیم کاشانی

منظور از عوامل ناامیدی، آن اتفاقات، حوادث و پیش‌فرض‌هایی است که سبب می‌شود تا فرد نسبت به خود، جهان و آینده حس خوبی نداشته‌باشد، به انزوا کشیده‌شود و آرزوی مرگ کند. این عوامل روی ناخودآگاه شخص تأثیر می‌گذارد و در طولانی مدت سبب اختلالات روانی می‌شوند.

۴.۱.۱. پیش‌فرض منفی یا اشتباه از جهان پیرامون

در مورد این مؤلفه نمی‌توان هیچ اظهارنظری کرد، چرا ما با دوران کودکی، خاطرات یا درونیات قلبی کلیم کاشانی به هیچ وجه آشنا نیستیم. این عامل بیشتر در درمان‌ها و شناخت‌های روانشناختی موثر است.

۴.۱.۲. تجربیات نامطلوب و پر از تشویش

هر تجربه ناگواری که برای ما رخ می‌دهد، بسته به شخصیت کلی فرد، مسبب برخی از ناراحتی‌ها یا اختلالات رفتاری و روانی می‌شود. حسی که از درک تجربیات تلخ و ناخوشایند

تحلیل روانشناختی تجلی یأس و ناامیدی در غزلیات کلیم کاشانی (۴۶-۲۴) ۳۱

به انسان دست می‌دهد، «درد» نامیده می‌شود. حال این تجربه نامطلوب می‌تواند یک عامل آسیب‌رسان فیزیکی باشد و مسبب درد جسمانی شود و یا اینکه حادثه مخرب اجتماعی یا شخصی باشد و علت رنج‌های روحی- روانی شود. طبیعی است دردهای روانی تداوم بیشتری دارند. برای کلیم، «درد» حس آشنایی است. همان‌طور که اشارت رفت اسعدی و عمران (۱۳۸۷) به آن اشاره کرده‌اند، کلیم در طول عمر خود از دردهای جسمانی و روانی بسیاری رنج‌کشیده است. همین‌طور جهل مردم و استبداد سیاسی از مسائل دیگری است که روح وی را آزوده است. اما کدام تجربیات نامطلوب و پر از تشویش، در گذشته کلیم، سبب این دردمندی شده‌اند؟ با نگاهی گذارا به زندگی این شاعر گرانقدر، سه تجربه نامطلوب متفاوت می‌توان دید: اول تجربه مشکلات و ناهنجاری‌های اجتماعی، دوم تجربه سال‌های غربت در هند، سوم تجربه بیماری‌های مداوم و پی در پی.

۱.۲.۱.۴. ناهنجاری‌های اجتماعی

دردهای اجتماعی کلیم، ناشی از ناهنجاری‌ها و معایبی بود، که در رفتار و کردار مردم و حکومت زمانه مشاهده می‌کرد. تجربه این ناملایمتهای، یکی از عوامل ناامیدی جاری در غزلیات کاشانی است. اما اصطلاح «ناهنجاری‌های اجتماعی» در دوران صفوی دقیقاً به کدام یک از ویژگی‌های رفتاری اشاره دارد؟

در دوره صفوی سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی پادشاهان مسبب بروز انحرافات اخلاقی در میان مردان حکومت و مردم می‌شد. همان‌طور که به نقل از برزویی و همکاران (۱۳۹۰) اشاره کردیم، کلیم شش رفتار اجتماعی را معلول بی‌توجهی حاکمیت وقت می‌داند. در آن مقاله به تفصیل درباره اوضاع نابسامان فرهنگی و اخلاقی ایران در دوره زندگی کلیم، بحث شده است. اما در پژوهش حاضر، و در این بخش، به این ناهنجاری‌ها به عنوان عوامل ناامیدی می‌پردازیم.

روزگار کلیم، مصادف با زمامداری شش تن از شاهان صفوی بود. جوانی و میانسالی کلیم در دوران حکومت سلطان محمد خدابنده، شاه عباس اول و شاه صفی سپری شد. دوره کودکی او به شاه طهماسب اول و پیری وی به دوره عباس دوم مرتبط هست. که در این بین دوره سلطنت یازده ساله خدابنده، سرشار از ظلم و ستم و نابسامانی و بی‌نظمی بود. (ترکمان، ۱۳۵۰، ج ۱: ۳۶۱) علاوه بر این شخص خدابنده، با وجود عیاش بودن، مردم را به

رعایت قید و بند شرعی مجبور می‌کرد. البته این خصوصیت در شاه عباس اول هم دیده می‌شد، اما وی توانست با قدرت سیاسی و اقتصادی، امنیت نسبی به کشور ببخشد و به همین میزان در برخورد با امور خلاف شرع سخت‌گیر باشد. (وحید، ۱۳۸۷: ۲۶۱-۲۶۲)

اما دوران حکمرانی پادشاه دیگر این دوره، یعنی شاه صفی را باید دوره‌ای بسیار خفت‌بار و یکی از دوره‌های سیاه سلطنت صفویان و آغاز فرایند ضعف و انحطاط دولت آنان دانست. و یقیناً در ایران دوره‌ای به این خون‌آلودی و بی‌شفقتی هرگز نبوده و سلطنت او را می‌توان یک سلسله بی‌انقطاع از بی‌رحمی و خونریزی توصیف نمود. (برزویی، ۱۳۹۰ به نقل از براون، ۱۳۶۶: ۱۲۹) وی نیز علی‌رغم اهتمام به نماز و رعایت جوانب شرعی، اسیر شراب و شرب آن بود و سرانجام نیز جانش را بر سر آن گذاشت.

شیوه‌های حکومتی اشتباه و غیرمنطقی پادشاهان مذکور نتایج ماندنی ناامنی، ریاکاری بی‌ارزش شدن سخن و ادب و وطن‌گریزی داشت. پیرو نتایج تحقیقات پیشین که اوضاع سیاه اجتماع را یکی از عوامل مهم ناامیدی و یأس شاعران و ادیبان می‌دانند، کلیم کاشانی و شاعران هم عصر او هم به دلیل تجربه چنین شرایطی دچار نومیدی شدند. علاوه بر این در موارد بسیار متعدد به طور صریح یا تلویحی به عواقب تلخ استبداد اشاره می‌کنند. تجربه مجموعه این عوامل، باعث شد کلیم نسبت به جامعه خود و آینده آن ناامید شود. به رفتن فکر کند. به کشوری که قدر و منزلت شعر و فرهنگ را تا حدی درک کرده باشد. به سرزمینی که احتیاجی به ریاکاری و عوام‌فریبی نداشته باشد و کلیم هند را انتخاب کرد. تجربیات نامطلوب و پر از تشویش از جامعه ایران تا حدی وی را ناامید کرده بود که رنج غربت را به بی‌وفایی وطن ترجیح داد.

۲.۲.۱.۴. سال‌های غربت در هند

دوری از وطن، تحت هر شرایطی، دل‌تنگی‌های خاص خود را دارد. حتی اگر کسی با کمال میل هجرت کند، باز هم ذهن و روان او میل و اشتیاقی به دوستان و شهر و دیار خواهد داشت. کلیم کاشانی، با اینکه تبعید خودخواسته‌ای داشت، ولی باز هم نتوانست، ردپای غم غربت را از غزلیاتش پاک کند.

سرپناهی که در غربت سهم مهاجر می‌شود، بدون شک نمی‌تواند به اندازه خانه وطن امن باشد. حضور آشنایان، دوستان و خویشان در سرزمین مادری سبب می‌شود منزل روح

_____ تحلیل روانشناختی تجلی یأس و ناامیدی در غزلیات کلیم کاشانی (۴۶-۲۴) ۳۳

و طراوت داشته باشد، که خانه‌های غربت، حتی در عظیم‌ترین و راحت‌ترین شکل آن، از این مزیت بی‌بهره‌اند.

از غم بی‌خانمانی گریه‌ام رو داده است
آشیاں بلبلی گر در گلستان دیده ام
(کاشانی، ۱۳۶۹: ۲۶۵)

کلیم کاشانی در سفر اول به دلیل حضور شاعران و منتقدان زیرک دربار، نتوانست به پادشاه نزدیک شود. «او مدت‌ها در سرزمین دکن و برخی ممالک دیگر هندوستان به سر برد اما طرفی از کامروایی نبست. آواره و سرگردان، گرسنگی کشید. به تهمت جاسوسی در قلعه شاهدرك بیجاپور زندانی شد و پس از آن که شاه نوازخان^۲ هم از دنیا رفت دیگر انگیزه‌ای برای ادامه زندگی در هند نداشت» (لنگرودی، ۱۳۷۲: ۱۰۱)

تحقیر و بی‌اعتنایی در غربت طعم تلخ‌تری دارد. کلیم با امید به هند رفته بود. ولی آرزوهای خود را تا حد زیادی از دست رفته می‌دید. آوارگی، زندانی شدن و بی‌مهری دیگران، غم غربت را سنگین‌تر می‌کرد.

چون من مباد آواره هزار وطن
فلک ز داغ جدایی هر دیارم سوخت
(کاشانی، ۱۳۶۹: ۱۵۳)

۴. ۲. ۱. ۳. بیماری‌های مداوم و پی‌در پی

اگر کسی دچار بیماری حاد جسمانی شود، طوری که امکان انجام امور معمول زندگی را نداشته باشد، از لحاظ روحی هم دچار عجز و ناتوانی می‌شود. این مسئله باعث ایجاد یا تشدید حس ناامیدی می‌شود. شاید به همین دلیل است که انسان‌های سالم، موفقیت افراد معلول را به مراتب بیشتر تحسین کرده و از آن به عنوان «اسوه امیدواری» یاد می‌کنند. گاهی تداوم در یک بیماری ساده، به اندازه یک بیماری حاد موقتی آزاردهنده می‌شود و موجبات نومیدی را فراهم می‌کند.

تجربه تلخ سوم، بیماری‌های مداومی است که کلیم گرفتارشان شده بود. به گونه‌ای که در اشعار خود بارها از دردهای جسمانی‌اش شکایت می‌کند. مرض‌های کلیم شامل ضعف جسمانی، دردپا، ناتوانی دست، مرض جرب و تب و لرز بود. به گواه ابیات زیر می‌توان دریافت که کلیم کاشانی از این امراض رنج می‌برده است.

کلیم در اواخر عمر با دردپا آشنا شد. (صفا، ۱۳۶۷: ۱۱۷۳) برای وی این موضوع بسیار آزاردهنده بود. چرا که باعث شده بود، علاوه بر تحمل دردهای زیاد، از انجام امور معمول زندگی هم باز بماند.

روزگام بس که دارد ناتوان از دردپا
عاجز از برخاستن چون شعله چوب ترم
چون دم تیشه است بر من عطف دامان قبا
می رود دودم به سر تا آنکه می خیزم ز جا
رفته رفته با صبح خواهم شد آشنا
شام اگر عزم نشستن می کنم مانند شمع
(کاشانی، ۱۳۶۹: ۲)

در ابیات زیر هم به ناتوانی دستان خود اشاره می کند:

عقده دردی است هر عقدی ز انگشتان من
چون کلیدیم دست کج گردید و انگشتان درو
می گزم زان دست کز دندان گشایم عقده را
مانده خشک و بی تحرک راست چون دندانه‌ها
رنگ صحت در سرپای وجود من نماند
بر سر ناخن اثر ای کاش ماندی زین حنا
(همان: ۳)

درد جسمانی و بیماری‌های طولانی مدت سبب تشدید یا ایجاد نومیدی می شوند، اما نکته مهم در مورد کلیم، فضا و صحنه زندگی اوست. شاید اگر در کنار این همه‌ی درد جسمانی، اجتماعی و روانی یک همدم یا همراه داشت، تحمل روزگار برای او راحت‌تر می شد. این موضوعی است که در بخش بعدی به آن پرداخته می شود.

۳.۱.۴. کمبود عاطفی

عامل سوم نومیدی در نظریه أبرامسون و همکاران، کمبود عاطفی است. «عاطفه یا حمایت‌های احساسی از اساسی‌ترین نیازهای انسانی است. از سنین کودکی تا بزرگسالی. در حالت ایده‌ال، این عواطف در محیط خانواده مهیا می شود. ممکن است، برخی افراد این نیاز احساسی را از طریق دوستان، همسایه، همکار یا حمایت‌های دولتی رفع کنند. اما هیچ کدام از آنها در برآورد خدمات عاطفی نمی تواند همانند خانواده موثر و پایدار باشد.» (دانشنامه بریتانیا، ۲۰۱۲)

همانطور که قبلاً گفته شد، ما از دوره کودکی کلیم اطلاعی نداریم. اما از دوره جوانی و میانسالی، آنقدر می دانیم که مجرد بودنش برای ما محرز شود. در هیچ کدام از تذکره‌هایی که زندگی کلیم را ترسیم کرده‌اند، به همسر یا فرزند وی اشاره نشده است. (صدری، ۱۳۷۶: ۱۳۷۶)

_____ تحلیل روانشناختی تجلی یأس و ناامیدی در غزلیات کلیم کاشانی (۴۶-۲۴) ۳۵

بیست و یک) البته شخص وی در قطعه شمار ۶۰ با زبانی تلخ به این موضوع اذعان می کند (تب را به جای هم‌بستر فرض گرفته است):

یار گرمی نامزد کرد از پی همخوابگی دید گردون چون ندارم مونس شب های تار
(کاشانی، ۱۳۶۹: ۶۶)

۲.۴. مؤلفه‌های یأس و ناامیدی در غزلیات کلیم کاشانی

همانطور که اشاره شد، قصد بر تحلیل مولفه‌های ناامیدی در غزلیات کلیم کاشانی است. در بخش قبلی تنها با شناسایی عامل‌های ایجاد ناامیدی در زندگی کلیم، احتمال بروز این حس را در وی بررسی کردیم. البته این به معنای نومییدی قطعی وی نیست و چنانچه در ادامه خواهیم دید، با وجود شواهد تمامی مؤلفه‌ها در اشعار وی، نمی‌توان به طور قطع کلیم کاشانی را شاعر ناامیدی دانست، بلکه تنها می‌توان این مصداق‌ها را شاهدهی بر وجود حس ناامیدی غزلیات وی دانست. چرا که کسی که شعر می‌گوید لزوماً «من» واقعی شاعر نیست.

۱.۲.۴. منفی‌نگری نسبت به خود، جهان و آینده

آرن بک، در مقیاس ناامیدی خود به عامل منفی‌نگری اشاره کرد و آن را در سه وجه معرفی کرد. منفی‌نگری نسبت به خود، جهان و آینده (بک و دیگران، ۱۹۷۴). این عامل برای آبرامسون و همکاران وی هم قابل قبول بود. پس به عنوان اولین مؤلفه نومییدی، در غزلیات کلیم کاشانی بررسی می‌شود: نگرش منفی به خود، دلیل اصلی شکست‌ها و پیشامدهای بد پیرامون را، به خود انسان برمی‌گرداند. فرد در چنین حالتی دچار بی‌زاری از خود و تمام موضوعات مربوط به خود است.

منم که داغ بلا گلشنی به نام من است گل شکفته من حلقه‌های دام من است
قلم نمی‌شکند، نامه‌ات نمی‌سوزد زبان کلک تو بیزار چون ز نام من است
(کاشانی، ۱۳۶۹: ۱۴۳)

همین‌طور این نگرش سبب می‌شود تا شخص خود را برای همیشه اسیر شکست و بلا بداند و قدرت تدبیر و تصمیم‌گیری را از خود دور بیند.

ضعف طالع برده از من قوت تدبیر را برنتابد از خرابی خانه‌ام تعمیر را
(همان: ۸۹)

یکی دیگر، و البته مهمترین نمود منفی‌نگری به خود، بی ارزش دانستن خود، به عنوان یک موجود بی فایده و بی اعتبار است.

گوهر شب تابم و از شمع بی‌قیمت ترم لیک از شادم که باری بی‌بها افتاده ام
(همان: ۲۸۶)

با چنین نگرشی جهان اطراف و مردمان آن هم منبع نیکی نخواهند بود. یعنی حس بدبینی به مردم زمانه هم تعمیم داده می‌شود. کاشانی در بسیاری از ابیات زیبای خود با زبان تلخ و گزنده‌ای، وجود چنین حسی را در دوران خود، در غزلیاتش بازتاب می‌دهد.

وای بر حال عزیزان که در این قحط تمیز هیچ کس خار بهای گل بی خار نداد
(همان: ۱۷۱)

بسته‌ام چشم امید از مهربانی‌های خلق دل نهاده زخم بی مرهم به سان مجرم
(همان: ۲۶۹)

دل به امید مداوایی که دیگر خوش کند خسته چون نومید از پیش مسیحا می‌رود
(همان: ۲۲۲)

البته کاملاً طبیعی است که همه نموده‌های جهان اطراف، نشانه‌های بدی نباشند. ولی نگرش منفی به جهان سبب می‌شود تا ذهن خوبی‌ها و نیکی‌های این جهانی را به وضوح تشخیص ندهد. این نگاه رفته رفته در شخصیت فرد نومید درونی می‌شود تا جایی که شخص به ناامیدی خود به عنوان راه چاره نگاه می‌کند و کمک دیگران را سم می‌داند.

تا آشنای یأسم بیگانه ام ز عالم مستغنی از طبیبان از درد بی دوایم
(همان: ۲۸۹)

وقتی فردی هم خودش را انسانی ضعیف و پر از عیبی بداند و هم جهان را سرشار از شر، دیگر امیدی به آینده نمی‌ماند. هر چه هست یأس و اندوه و غم بیشتر هست. اینکه اشک است، این زمان خون جگر خواهد شدن

پیش بین امروز بر وی حال فردا روشن است
(همان: ۱۴۳)

رشته طول امل را گر تو کوتاه می‌کنی جهد کن تا نارسا ز اندیشه فردا شود
(همان: ۱۸۸)

_____ تحلیل روانشناختی تجلی یأس و ناامیدی در غزلیات کلیم کاشانی (۴۶-۲۴) ۳۷

امید کام یافتن از روزگار ما فکر گلاب از گل اختر کشیدن است
(همان: ۱۱۹)

به عنوان جمله پایانی این بند، باید گفت که نگرش منفی، با زبانی خلاق و زیبا، در هر سه بعد آن، در غزلیات کلیم کاشانی مشاهده می‌شود. می‌توان احتمال داد، این نگرش‌های منفی در جامعه معاصر کلیم کاشانی، یا حداقل در میان افراد فرهیخته رایج بوده است.

۴. ۲. ۲. احساس شکست

احساس شکست، به منزله شکست در واقعیت نیست و تنها مربوط به برداشت ذهنی فرد از سرانجام کاری است که هنوز پایان نیافته است. حتی در برخی اوقات هنوز شروع نشده است. کسی که از این احساس رنج می‌برد، نمی‌تواند در زندگی کار مهمی انجام دهد. چرا که علاوه بر نگاه عجزآمیز به خود، بقیه عوامل بیرونی را هم محل اجرای کار خود می‌داند. کسی که احساس شکست می‌کند، بدون تلاش تسلیم می‌شود.

می‌کنم تدبیر بخت بدمروت مانع است سهل باشد چاره کردن دشمن خوابیده را
(همان: ۹۸)

چون در مصاف حادثه آه از جگر کشم؟ تیغم نمی‌برد، به چه امید برکشم؟
(همان: ۲۶۰)

مزرع امید را از گریه نتوان سبز کرد آب شور چشمه ما سازگار دانه نیست
(همان: ۱۴۵)

تا امیدت نشود یأس، به راحت نرسی این نهالی است که تا خشک نشد بار نداد
(همان: ۱۷۱)

همانطور که چهار بیت فوق مشاهده می‌شود، کلیم در بازتاب احساس شکست، اغلب از آرایه اسلوب المعادله استفاده می‌کند. تمثیل‌های انتخاب شده، بدیع و تلخ هستند. کلیم کاشانی در تجلی حس عجز و شکست، بدون لحاظ کردن مصلحت‌های رایج، تلخ‌ترین مثال‌ها را آورده است. تنها با مشاهده این چهار بیت، می‌توان دید، کسی که چنین حسی دارد، چطور چرخش روزگار، زمین و آسمان‌ها را برخلاف خواست و تلاشش تصور می‌کند و این سبب می‌شود هرگز اقدام به کاری نکند. کلیم با تیزهوشی در بیت سوم، ارتباطی را که میان حس شکست و ناامیدی وجود دارد، متذکر می‌شود؛ امیدواری با کسب موفقیت‌های

جدید تقویت می‌شود حال آنکه چنین فردی خیال می‌کند، ذات وجودی‌اش با شکست آمیخته شده است.

۳. ۲. ۴. نارضایتی از وضع موجود

نارضایتی یکی دیگر از مؤلفه‌های ناامیدی است. فرد در این حال از شرایط موجود ابراز ناراحتی می‌کند و دائم در فکر ایجاد بستر جدیدی برای زندگی است.

به هر منزل فزون دیدم ز هجران زاری دل را خوشا حال جرس فهمیده است آرام منزل را (همان: ۹۹)

صبح من شام غریبان است، از شامم می‌پرس تا به کام دل درین غربت سرا افتاده ام (همان: ۲۸۶)

مرگ تلخ و زندگانی سر به سر درد و غم است پشت و روی کار عالم هیچ‌گه دلخواه نیست (همان: ۱۴۶)

کلیم با واژه‌هایی مانند «جرس»، «غربت» و «مرگ» که مفهوم سفر و مهاجرت را تداعی می‌کنند، خواست رفتن را زنده می‌کند. در هر سه بیت فوق، به زیبایی نارضایتی از وطن و غربت گنجانده شده است. در واقع کلیم کاشانی با بهره‌گیری از تجربیات شخصی، در تصویر فرد ناامید وی را شخصی می‌داند که از هیچ مکان و زمانی لذت نمی‌برد و چه بسا به همین دلیل در برزخی میان مرگ و زندگی گرفتار آمده است. چنین فردی در عین حال هم از زندگی خوشحال نیست و هم از مرگ دل خوشی ندارد.

۴. ۲. ۴. انزوا

طبیعتاً نتیجه احساس شکست، و منفی‌نگری نسبت به جهان، انگیزه حضور را در اجتماع نازل می‌کند. فرد به سمت انزوا کشیده می‌شود. انزوا شاخصی‌ست که به صورت غیرمستقیم در غزلیات پیش فرض گرفته شده، یعنی نمی‌توان آن موقعیت را جز با تنهایی آن شخصی که روحیاتش در شعر بازتاب داده شده، تصور کرد. ابیات زیر البته تأکید بیشتری بر این مؤلفه دارند.

چگونه عیش برد ره به خانه تو کلیم به این خرابه چو یار دگر نیامده است (همان: ۱۲۹)

_____ تحلیل روانشناختی تجلی یأس و ناامیدی در غزلیات کلیم کاشانی (۴۶-۲۴) ۳۹

هر کس مرا شناخت ز همراهیم رمید نشناخته است سایه هنوزم که بامنست
(همان: ۱۴۵)

به سان شمع، کس آواز گریه ام نشنید به اشک خویش اگر تا صبح غلتیدم
(همان: ۲۷۶)

زبان شعری اقتضاء می‌کند، هر حسی در لفافه بیان شود. اما در نمونه‌های فوق کلیم به شیوه‌ی کم‌نظیری صراحت را با شعر آمیخته است. در عین حال که انزوایش را فریاد می‌زند، اما استفاده از صنایع ادبی تلخی بیت را تلطیف می‌کند. طنز تلخی که در بیت دوم پنهان است، موقعیت رمانتیکی که در بیت سوم ایجاد شده، همگی سبب شده‌اند تا شعر اولویت اول باشد.

۵. ۲. ۴. مرگ دوستی

زندگی هر انسانی با مرگ به اتمام می‌رسد. وقوع مرگ قطعی است و هیچ احتمال دیگری وجود ندارد. این پایان قطعی، تاثیرات روانی خود را حین زندگی، به شکل افسردگی، استرس، ناامیدی و ترس از مرگ نشان می‌دهد. در واقع «معنای صحیح مرگ واقعیتی بیرونی و عمومی در جهان نیست بلکه امکان درونی هستی خود من است. نیز ممکن بودن آن، نظیر امکان نقطه‌ای در انتهای یک جاده نیست که من با گذر زمان به آن برسم. تا آن زمان که من به این شکل به مرگ فکر می‌کنم هنوز مرگ را در فاصله‌ای دور و بیرون خود نگه داشته‌ام. ولی نکته اینجاست که من ممکن است در هر لحظه‌ای بمیرم و به همین خاطر مرگ برای من در همین لحظه اکنون ممکن است.» (برت، ۱۳۸۷: ۶۵) انسان‌هایی که در معرض نومیدی قرار دارند، بیش از انسان‌های عادی به مرگ می‌اندیشند و حتی نسبت به آن اقدام می‌کنند. طوری که روانپزشکان نومیدی را پلی میان افسردگی و خودکشی می‌دانند. انسان نومید مرگ را به دلیل آرامش ظاهری که دارد، از زندگی و خاطرات نامطلوبش بیشتر می‌پسندد.

در مرگ هست آنچه در آب حیات نیست آسان زیاد مرگ شود آنچه مشکل است
(همان: ۱۴۶)

آسایش هر کام، ز شیرینی مرگ است جایی که شکر غیر نی تیر ندارد
(همان: ۲۲۴)

بحری است زندگی که نگهنگش حوادث است

تن کشتی است و مرگ به ساحل رسیدن است

(همان: ۱۴۵)

ز روزگار دو حاجت امید نتوان داشت اگر به مرگ رسیدم تو را نمی خواهم

(همان: ۲۵۸)

آشکار بودن حس مرگ دوستی در ابیات فوق به حدی است که نوشتن هر توضیحی را بیهوده جلوه می‌دهد. تنها درباره بیت پایانی که مرگ را همپای معشوق قرار داده، باید گفت این نگاه پیش از کلیم به ندرت دیده شده و می‌توان وی را یکی از اولین کسانی دانست که دوست داشتن مرگ را بدون هیچ روزنه‌ی امیدیهی به صورت بارز بیان می‌کند. نکته مهم‌تر اینکه، اکثر شاعران پیش از کلیم به دلیل نگاه عرفانی این جهان را زندان می‌دانستند و رهایی از آن را آرزوی مومن. به همین دلیل مرگ برایشان رهایی روح از تن فانی بود و اگر تمایلی اندک به مرگ در آثارشان هست بنا به دلایل دینی و معنوی است. اما حس مرگ دوستی در کلیم کاشانی جنبه معنوی ندارد. هیچ اشاره‌ای به تمثیل‌ها و نمادهای مذهبی و دینی نیست. به نظر می‌رسد این حس در کلیم در چارچوب حس نومیدی که بر غزلیات وی مستولی شده، در ابیاتش دیده می‌شود.

۴. ۲. ۶. غم مفروط

غم از جمله احساسات عمومی است. اکثر مردم جهان با غم آشنا هستند. ولی وقتی این حس از حد و اندازه عادی خود گذشت، تبدیل به یک علامت می‌شود. علامت یک اختلال روانی عمیق‌تر؛ یک نومیدی بزرگ. غم مفروط همه محیط اطراف را پر از غم می‌کند.

اشک کواکب نگر چرخ غم اندود را گریه فراوان بود خانه‌ی پر دود را

(همان: ۹۶)

ضعفم به جا گذاشته از خرمن وجود کاهی که در برابر صد کوه غم به پاست
غم می خورم به جای غذا چون کنم کلیم این است آن غذا که نه محتاج اشتهاست

(همان: ۱۴۸)

بر در و بام دلم غم بر سر غم ریخته میهمان در خانه ام دایم زیاد از خانه است

(همان: ۱۴۹)

_____ تحلیل روانشناختی تجلی یأس و ناامیدی در غزلیات کلیم کاشانی (۴۶-۲۴) ۴۱

کلیم مانند حافظ نیست که در هر شعری با نگاه یک شاعر متفاوت ظاهر شود. او حتی زمانی که عاشق می‌شود، و آن زمان هم که با دیدن معشوق زیبا رو، به وجد می‌آید، باز غمگین و مأیوس است. شاعر درون وی باز هم می‌داند تمنای وی نتیجه‌ای نخواهد داشت. پس عشق را با غم همراه می‌داند.

موشکافی‌ها در آن اندام زیبا کرده‌ام
تا کمر را در میان زلف پیدا کرده‌ام
نیستم راضی که سر بر کرسی زانو نهم
تا هوای سربلندی را ز سر وا کرده‌ام
دیده خواهش نبیند توتیا سازی چو من
خاک کوی یأس در چشم تمنا کرده‌ام

(همان: ۲۸۱)

و سرانجام اینکه در بیت زیر کلیم به روشنی آگاهی خود را از عامل غمیگنی آشکار می‌کند.

خاک وطن کلیم ز بس غم فزا شده است
گل تا بود مقیم چمن و نمی‌شود

(همان: ۱۹۹)

۵. نتیجه‌گیری

با تنسیق یافته‌ها، تحلیل‌ها و جمع‌بندی‌های ارائه شده، می‌توان نتیجه گرفت، شرایط بد اجتماعی انسان‌های آگاه را آزرده خاطر و نگران می‌کند. و اگر آنها برای انجام اصلاحات هیچ راهی پیدا نکنند، نسبت به آینده جامعه و به تبع آن آینده خود ناامید می‌شوند. کلیم کاشانی در شرایط غیرمنصفانه و پر از نفاق آن روز ایران زندگی می‌کرد و طبیعی حس ناامیدی در اشعارش جلوه‌گر شود. پس همان‌طور که رسول زاده (۱۳۸۸) نتیجه گرفته است، شرایط نامناسب و خفقان آور جامعه یکی از عوامل مهم شکل‌گیری ناامیدی در آثار ادبی است. خواه این شرایط در تاریخ معاصر ایجاد شده باشد خواه در دوره‌ی صفویه. چرا که به دلیل حکومت متمرکز صفویه و آغاز تجارت‌های بین‌المللی از مرزهای آبی و زمینی و زندگی شهری علاوه بر مزایای رفاهی، معایب روانی هم آرام آرام به لایه‌های زیرین جامعه منتقل شد. پس طبیعی است که شاعر سبک هندی و شاعران تاریخ معاصر واکنش مشترکی نسبت به استبداد نشان دهند. بنابراین در مقام پاسخ به سوال اول تحقیق می‌توان گفت عواملی مانند اوضاع نامناسب اجتماعی و مصیبت‌های شخصی کلیم کاشانی زمینه بروز نومیدی در اشعار وی را موجب شده‌اند.

آبرامسون و همکاران او، ناامیدی را پلی میان افسردگی و خودکشی می‌دانند. منظور اینکه در وضعیت ناامیدی رنگ جهان و مردم آنچنان برای بیمار تنگ و تاریک می‌شود که وی سریع‌ترین و تلخ‌ترین پایان را برای اتمام مشکلات انتخاب می‌کند. تعداد نویسندگان و شاعرانی که دست به خودکشی زده‌اند، قابل توجه هست. اما با توجه به فاصله تاریخی ما با کلیم کاشانی نمی‌توان با قطعیت در مورد ناامیدی وی اظهار نظر کرد. چرا که یکی از ویژگی‌های سبک هندی استفاده از احساسات متعدد برای رسیدن به معنای بکر بود، لذا بدون رد کامل، ناامیدی کلیم کاشانی، تایید قطعی آن نیز ممکن نیست. در بخشی دوم یافته‌ها سعی شد تا باز نمود مؤلفه‌های نومیدی در غزلیات کلیم کاشانی بررسی شود و اگر بخواهیم علاوه بر نگاه جزئی، نگاهی کلی به این مؤلفه‌ها داشته باشیم، باید بگوییم، اکثر قریب به یقین مؤلفه‌ها به زیبایی در یکدیگر تنیده شدند. به طور مثال نمی‌توان غم مفرط را بدون لحاظ کردن احساس شکست و انزوا به درستی تحلیل کرد. ابیاتی مربوط به نارضایتی از وضع موجود به انزوا و مرگ دوستی هم ربط دارد. همین‌طور نگرش منفی به خود با احساس شکست. نکته مهم بینش دنیوی کلیم به این احساسات است. وی نومیدی را از دیدگاه انسان‌گرایانه می‌بیند و برای همین کمتر پیش می‌آید که راهی برای رهایی ذکر کند. در حالیکه در سنت شعر فارسی، نگاهی الهی غالب بوده و همیشه الطاف خداوند را به عنوان آخرین چاره کار معرفی می‌کردند. همچنین باید اذعان کرد، در میان اشعار کلیم، ابیاتی که حسی متضاد را القا کنند، بسیار اندک هستند و مؤلفه‌های ناامیدی خودشان را در اکثر قریب به یقین غزلیات وی آشکار ساخته‌اند.

به عنوان نتیجه کلی می‌توان گفت عوامل نومیدی، در اشعار کلیم عبارتند از: ۱- تجربیات تلخ و پرتشویش و ۲- کمبود عاطفی در زندگی کلیم که موجب بروز حس نومیدی در اشعار وی گشته است. با تأمل در غزلیات کلیم کاشانی این مؤلفه‌ها دیده شد: ۱- منفی‌نگری نسبت به خود، جهان و آینده. ۲- احساس شکست. ۳- نارضایتی از وضع موجود. ۴- انزوا ۵- مرگ دوستی ۶- غم مفرط. براساس تحلیل‌های انجام گرفته می‌توان ادعا کرد که حس نومیدی در غزلیات کلیم کاشانی با دیدگاهی انسان‌گرا که اغلب بدون پشتوانه الهی است، همراه شده است و بیت‌هایی که مضامین توکل یا امید به رحمت الهی را داشته باشد، به ندرت دیده می‌شود.

پی نوشت

۱- نسخه ای که برای این مقاله انتخاب شده، نسخه ای است که به کوشش آقای مهدی صدری منتشر شده است. این نسخه نسبت به سایر تصحیح ها، دو مزیت دارد: اول اینکه برای تصحیح آثار کلیم از تمامی نسخ قبلی بهره مند شده و به جهت تکمیل کار، تفاوت نسخ را در پاورقی اشعار، آورده است. دوم لحاظ کردن علائم نگارشی است که خواندن ابیات را برای خواننده روان تر می کند.

۲- «کلیم در نخستین سفرش به هند بیش از ۲۴ سال داشته است. در این سفر وی ملازم و مصاحب شاه نوازخان شیرازی و پسر رستم میرزای صفوی، از امرای مشهور آن عهد و وزیر ابراهیم عادل شاه ثانی بوده است.» (لنگروری، ۱۳۷۲ به نقل از بیضایی، ۱۳۶۹: هـ)

کتابنامه

- اسعدی، مریم‌السادات. عمران. آسیه ذبیح نیا. ۱۳۸۷. «جان مایه‌های درد در شعر کلیم کاشانی». *نامه انجمن*. سال ۸. شماره ۳۰. صص ۱۵۷ - ۱۷۰.
- برت، ویلیام. ۱۳۸۷. «اضطراب و تناهی». ترجمه صدرا ساده. *ماهنامه خردنامه*. سال ۴. شماره ۲۵. صص ۶۴-۶۶.
- برزویی، رضا. حسینی. ناصرالدین. مصفا. مظاهر. ۱۳۹۰. «بازتاب اوضاع اجتماعی عصر صفوی در شعر کلیم همدانی». *فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادبیات فارسی*. دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی سنندج. سال ۳. شماره ۶. صص ۲۹-۵۹.
- براون، ادوارد. ۱۳۶۶. *تاریخ ادبیات ایران. از آغاز عهد صفویه تا عصر حاضر*. ج ۴. ترجمه رشید یاسمی. تهران: انتشارات مروارید.
- ترکمان، اسکندر بیک. ۱۳۵۰. *تاریخ عالم‌آرای عباسی*. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. ۱۳۸۵. *دیوان حافظ با معنی کامل*. به کوشش ناهید فرشادمهر. به تصحیح محمد قزوینی. تهران: انتشارات گنجینه.
- حمیدی، سید جعفر. ۱۳۷۰. «تأثیر زبان فارسی و اوضاع اجتماعی و فرهنگی هند در عصر شاه جهان بابری». *نشریه آشنا*. سال ۱. شماره ۱. صص ۲۱-۲۷.
- حمیدیان، سعید. ۱۳۴۷. «مهاجرت شعرا به هند در عصر صفویه». *نشریه وحیده*. سال ۶. شماره ۵۶. صص ۷۴۱-۷۴۷.
- رسول زاده، مهدی؛ ۱۳۸۸. *بررسی نمادهای امید و ناامیدی در شعر معاصر فارسی (از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷)*. رساله دکترا. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- رضی، احمد؛ بهرامی، مسعود. ۱۳۸۵. «زمینه‌ها و عوامل نومیدی صادق هدایت». *فصلنامه پژوهش‌های ادبی*. سال ۴. شماره ۱۱. صص ۹۳-۱۱۲.
- سرخوش، محمد افضل؛ ۱۳۸۹. *کلمات الشعراء*. تصحیح علیرضا قزوه. تهران: کتابخانه. موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- _____ تحلیل روانشناختی تجلی یأس و ناامیدی در غزلیات کلیم کاشانی (۴۶-۲۴) ۴۵
- سعدی، مصلح الدین. ۱۳۸۵. *کلیات سعدی*. به تصحیح محمد علی فروغی. تهران: انتشارات هرمس.
- شاملو، سعید؛ ۱۳۶۸. *مکتب‌ها و نظریه‌ها در روانشناسی شخصیت*. تهران: انتشارات رشد.
- شبستری، محمودبن عبدالکریم. ۱۳۸۵. *گلشن راز*. به تصحیح مهدی الهی قمشه‌ای. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شبلی، نعمانی. ۱۳۶۳. *شعرالعجم*. ترجمه فخر راعی گیلانی. تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- صفا، ذبیح اله؛ ۱۳۶۷. *تاریخ ادبیات در ایران*. ۸ مجلد. تهران: انتشارات فردوس.
- فلسفی، نصراله. ۱۳۳۴. *زندگانی شاه عباس*. ج ۲. تهران: نشر خیام.
- قبادی، حسینعلی؛ کلاهیچیان، فاطمه. ۱۳۸۶. «تحلیل یأس و امیدواری در اندیشه و داستان‌پردازی مولوی». *فصلنامه پژوهش‌های ادبی*. سال ۵، شماره ۱۷، ص ۱۴۹-۱۷۴.
- کاشانی، کلیم؛ ۱۳۶۹. *دیوان کلیم کاشانی*. تصحیح بیژن ترقی و مقدمه حسین پرتو بیضایی. تهران: انتشارات خیام.
- ؛ ۱۳۷۶. *کلیات طالب کلیم کاشانی*. تصحیح و مقدمه مهدی صدری. تهران: انتشارات همراه.
- لنگرودی، شمس. ۱۳۷۲. *سبک هندی و کلیم کاشانی (گردباد شور جنون)*. تهران: انتشارات مرکز.
- وحید، فریدون؛ ۱۳۸۷. *جامعه‌شناسی در ادبیات*. تهران: سمت.
- Abramson, L. Y., Metalsky, G. I., & Alloy, L. B. 1989, "Hopelessness depression: A theory based subtype of depression". *Psychological Review*, 96, 358-372.
- Beck, A.T., & Steer, R.A. 1988. *Beck hopelessness scale: Manual* (1993 Ed.). San Antonio, TX: Harcourt Brace & Co.
- Beck, A.T., Weismann, A., Lester, D., & Trexler, L. 1974, "The measurement of pessimism: the hopelessness scale." *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 42, 861-65.
- Holm, R. Roussel, M. Hofmann F, H 2010, "Depression and creativity - the case of the German poet, scientist and statesman J. W. v. Goethe." *Journal of Affective Disorders*. Dec; 127, 43-9.

Joiner, T. E., Steer, R. A., Abramson, L. Y., Alloy, L. B., Metalsky, G. I., & Schmidt, N. B. 2001, "Hopelessness depression as a distinct dimension of depressive symptoms among clinical and non-clinical samples." *Behaviour Research and Therapy*, 39, 523-536.